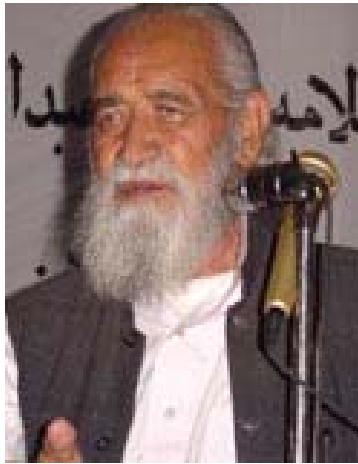




کاندیدای اکادمیسین سیستانی



اکادمیسین رشاد، دانشمند سترگ قرن بیستم افغانستان

کاروان شهید رفت از پیش
آن ما رفته گیر ومی اندیش
از شمار دوچشم یک تن کم
و ز شمار خرد هزاران بیش

بمناسبت نخستین سال درگذشت او

فقدان دانشی مرد نامدار و بی بدیل افغانستان مرحوم اکادمیسین رشاد، برای جامعه فرهنگی و علمی افغانی، ضایعه جبران ناپذیر است. کدام افغان با دانش و فرهیخته است که در غم از دست دادن چنین سرمایه بزرگ معنوی متأثر نشده باشد؟ من به عنوان یکی از اخلاصمندان استاد رشاد که بارها سعادت دیدار و صحبت با ایشان را داشته ام، وظیفه خود میدانم تا پاره ای از خصایل علمی و اجتماعی این شخصیت فاضل و موقر افغان در اینجا روشن نمایم: بدون تردید مطالعه سرگذشت بزرگمردان عرصه های دانش و فرهنگ و نهضت های اجتماعی، درس های سودمندی اند که نسل های آینده و جوان ما به آن نیاز دارند تا از آنها بیاموزند و شخصیت خود را تکامل ببخشند .

یکی از شخصیت های بزرگ علمی-فرهنگی کشور ، اکادمیسین پوهاند عبدالشکور رشاد ، عالم ، محقق ، نویسنده ، شاعر، تاریخ‌شناس ، زبانشناس، جامعه شناس و سیاست شناس افغانستان در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم است. این شخصیت والای فرهنگی که جوانان ما تا کنون کمتر شناخت درستی از وی دارند واقعاً مجموعه ای از علوم و دانشهای مختلف زمان خود بود که با داشتن حافظه قوی و استعداد فراگیری در رشته های مختلف علوم نبوغ شگفت انگیزی داشت.

استاد رشاد با بزرگترین و نام آورترین شخصیت های فرهنگی و علمی منطقه در عرصه های علوم اجتماعی همسری میکرد و از این جهت می ارزدتاهاز افغان علم دوست و وطنخواه بنام این شخصیت بزرگوار علمی-فرهنگی کشور افتخار نماید و بسیار بجا خواهد بود تا وزارت تحصیلات عالی افغانستان بخاطر قدرشناسی از خدمات علمی-فرهنگی شان پوهنتون قندهار را بنام ایشان نامگذاری کنند، این خواستی است که مردم قندهار در روز خاک سپاری استاد نیز متذکر شدند و نام کتابخانه عامه و جاده ای را نیز برآن خواست افزودند.

اکادمیسین استاد رشاد در ۲۳ عقرب ۱۳۰۰ ش = ۱۴ نومبر ۱۹۲۱ در قندهار چشم به جهان گشود و در ۱۱ قوس ۱۳۸۳ ش مطابق اول دسمبر ۲۰۰۴ میلادی ، پس از ۸۳ سال عمر شرافتمندانه و پربار از معنویت و فرهنگ از این جهان چشم پوشید.

استاد رشاد کسی بود که در پنج سالگی قرآن را ختم و کتب بوستان و گلستان و حافظ و غیره را از پدر بزرگوارش آموخت . در ۱۳ سالگی ذوقش را درسروند شعر آموذ و در ۱۷ سالگی نخستین اشعارش در جریده طلوع افغان اقبال چاپ یافت. استاد رشاد در ۱۹۳۴ در حالی که بیش از ۱۳ سال نداشت به حیث معلم برگزیده شد و بنام «کوچنی معلم» شهرت یافت.

در ۱۹۴۷ به حیث رئیس منتخب انجمن شاروالی قندهار برگزیده شد و در ۱۹۴۸ بنابر تشبث شخصی برای فراگیری دانش و زبان به هندوستان سفر نمود و در آنجا به آموختن زبان سانسکرت، انگلیسی و زبان هندی پرداخت و تحقیقات جالبی در زمینه ادب و تاریخ پشتونها انجام داد که نتیجه این تحقیقاتش کتاب «لودی پشتانه» در ۲۵ صفحه است. در ۱۹۵۱ دوباره به قندهار بازگشت و در ۱۹۵۲ در نهضت «ویش زلمیان» (جوانان بیدار) شامل شد و خود را برای وکالت در ولسی جرگه (دوره هفتم شورا) کاندید کرد، مگر در اثر دخالت حکومت صندوق کاندیدای او از میان برداشته شد و خودش از حوزه انتخاباتی اخراج گردید. در ۱۹۵۸ به حیث معاون پشتوتولنه منصوب و به کابل رفت . استاد رشاد در پهلوی کار خود، به حیث استاد زبان پشتو در فاکولته زبان و ادبیات به تدریس پرداخت. در ۱۹۶۱ به حیث استاد زبان پشتو به انستیتوت شرق شناسی به شهر پترزبورگ به اتحاد شوروی وقت رفت و مدت سه سال در لنینگراد باقی ماند و در این مدت زبان و ادبیات روسی را فرا گرفت و به دیگران زبان و ادب پشتو آموخت. در ۱۹۶۴ دوباره به کابل برگشت و به صفت استاد و مسئول دپارتمنت پشتو در پوهنتون کابل بکار پرداخت.

استاد رشاد از ۱۹۶۴ تا کودتای ثور ۱۳۵۷ در پوهنتون کابل به صفت استاد کارش را با کمال و وطن پرستی انجام داد، ولی چون از حادثه ثور اظهار انزجار مینمود، بزودی در همان ۱۳۵۷ ش به تقاعد اجباری سوق داده شد. مگر از فردای همان روز تقاعدش، شاگردان و محصلان پوهنخی ادبیات و علوم بشری به خلاء وجودش پی بردند و برای رهنمایی تیزس های پایان تحصیلی خود به خانه اش مراجعه میکردند و از استاد رشاد کمک و رهنمایی میگرفتند، او هم بدون عذر خواهی از رهنمایی شاگردانش دریغ نمی ورزید. خوشبختانه اکادمی علوم افغانستان که تازه پا گرفته بود، حضور استاد رشاد را برای رهنمایی محققین تازه کار خویش به مثابه آب حیات احساس نمود و با خواهش و تمنا از ایشان خواست تا بطور اجیر علمی در آن موسسه علمی همکاری نماید، بهرحال ایشان این خواست بجا را

پذیرفتند و به رهنمایی اعضای مسلکی اکادمی علوم پرداختند. درست از همین وقت بود که من با استاد رشاد از نزدیک تماس پیدا کردم و در فرصت های مختلف برای گرفتن کمک و رهنمایی به ایشان رجوع میکردم و از رهنمایی های عالمانه شان مثل سایرین بهره مند میگرددیم.

ویژگیهای علمی و شخصیتی استاد رشاد:

استاد رشاد شخصیتی چند بُعدی بود: او هم در عرصه زبان شناسی استاد بود، هم در زمینه تاریخ افغانستان از هیچ مورخی عقب نمی ماند. او همانگونه که در زبان پشتو که زبان مادری اوست شعرهای حماسی و اجتماعی بکری سروده، در زبان دری نیز اشعار آبداری دارد و برخی از روایات تاریخی را به نظم کشیده است. استاد رشاد نه تنها در این دوزبان تسلط کامل ادبی داشت، بلکه بر زبانهای انگلیسی، روسی، عربی، اردو، و چندین زبان دیگر هندی نیز تسلط داشت و در زبان عربی هم تالیفاتی دارد. افزون بر این استاد رشاد تنها زبان شناس و زبان دان پرتوان نبود، بلکه در عرصه علوم اجتماعی: مثل تاریخ، ادبیات، علوم سیاسی، فقه اسلامی، عروض، بدیع و بیان در زبانهای عربی و فارسی و پشتو استاد بود، و در تمام این عرصه ها تالیفاتی دارد که شاگردان در مکاتب عالی و پوهنتونهای افغانستان از آن فیض می برند. استاد رشاد بیش از ۶۰ سال از عمر پر بار خود را در راه تربیت اولاد کشور صرف نموده اند و در پهلوی تعلیم و تدریس و رهنمایی صدها شاگرد خود در پوهنتون کابل، رسالت رهنمایی پروژه های تحقیقی محققان را در اکادمی علوم افغانستان و نیز رهنمای تیزس های پایانی دوره تحصیل در پوهنتون کابل را نیز بعهده داشت.

استاد رشاد بیشترین وقت خود را وقف رهنمایی فرزندان با استعدادی نموده که یا مستقیماً افتخار شاگردی ایشان را داشته اند و یا به او رجوع میکردند و در رفع کاستی های کار های تحقیقی خویش از او کمک میگرفتند.

استاد رشاد از لحاظ اجتماعی آدم خوش برخورد و بسیار مهربان و صمیمی بود و هر که به او رجوع میکرد و از او کمک میخواست، با جبین گشاده و لب خندان او را یاری میرسانید و رهنمایی میکرد. به همین دلیل که بیشترین وقت استاد وقف تدریس و رهنمایی فرزندان و دانشجویان کشور شده است، نتوانسته به چاپ آثار پر بار خویش نایل شود، معهذاً تماماً عقب سال ۱۹۹۱م = ۱۳۷۰ هجری که مصادف به سالروز هفتادسالگی او بود، در حدود ۳۱ جلد اثر ادبی، تاریخی، اجتماعی از ایشان بچاپ رسیده بود و من در (۱۳۷۰ش)، ۹۳ اثر مستقل چاپی و چاپ نشده استاد رشاد را حساب کرده ام که برخی از آن آثار در بیشتر از هزار صفحه تحریر شده اند و چندین جلد زیر یک عنوان آمده اند. و اگر در این چهارده سال دیگر فقط هفت اثر جدید استاد را برآن بیفزاییم اینک تعداد آثاری که وی در این مدت تالیف کرده و نوشته اند بالغ بر یکصد جلد میگردد.

به این حساب میتوان اذعان داشت که در شرایط افغانستان کمتر کسی توانسته در مدت عمر خود این همه آثار سودمند بنویسد و گنجینه ای نفیس از فرهنگ افغانی را برای نسل های کشور از خود باقی بگذارد. این در حالی است که استاد رشاد خود هیچگونه ادعای علمی و فضل فروشی نداشت و با شکسته نفسی و فروتنی باز هم میخواست بیاموزد و وقتی کتاب یا رساله ای از شاگردان او طبع و بدست او میرسید با علاقمندی آنرا میخواند تا چیز های تازه از آن فرا گیرد و اگر کم و کاستی داشته باشد به او خاطر نشان نماید.

استاد رشاد از لحاظ کرکتر شخصی مردی بسیار مؤدب و با تمکین و موقر و صاحب علوهمت بود. با پیشانی گشاده و تواضع و فروتنی صحبت میکرد و به صحبت دیگران با دقت گوش فرامیداد و هرگاه در صحبت طرف مقابل اشتباهی

وجود می‌داشت ، آنرا فوراً برخ طرف نمی کشید، بلکه با گفتن یکی دو مثال تاریخی و مستند طرف را متوجه می‌ساخت که خود را تصحیح کند. استاد رشاد اشخاص را هرگز بخاطر جاه و مقام بلند دولتی شان حرمت نمی‌گذاشت، بلکه به میزان علمیت شان ارج می‌نهاد. من بارها متوجه بوده ام که در سیمینار های علمی وقتی یکی از ارکان مقتدر دولت وارد تالار میشد درحالی که حاضرین از جای شان بلند میشدند و ادای احترام بجای می آوردند، اما استاد رشاد هرگز از جایش تکان نمی‌خورد و این شخص نو وارد بود که به او ادای احترام مینمود.

او عادت نداشت در مقابل قدرتمندان گردن افراخته خود را خم نماید و چون صاحب عزت نفس و غرور ملی و وجاهت علمی بود، بیاد دارم که دولت نجیب الله در سال ۱۳۶۵ (=۱۹۸۶) هنگامیکه میخواست تعدادی از شخصیت های فرهنگی را که با ایجاد ارزش های معنوی خود مستحق قدر شناسی بودند ، از طرف دولت با دادن القاب علمی بلندتر مورد نوازش قرار بگیرند، مگر استاد رشاد(به این دلیل که در اعطای القاب علمی به فرهنگیان کشور معیارهای علمی در نظر گرفته نمیشود و کمسانیکه عمر خود را در موسسات علمی کشور با بی تفاوتی گذرانده و در عمر استادی خویش دست به تالیف یا ترجمه بی نژده اند، چنین القابی تعلق نمیگیرد.) از کاندید کردن آثار خود به این منظور و حتی دادن عکس خود به ریاست اکادمی علوم افغانستان خود داری ورزید ، مگر مسؤولان اکادمی علوم سرانجام عکس او را از روی اوراق قرارداد استخدام او برگرفته با لقب اکادمیسینی او به نشر سپردند. واقعاً استاد رشاد راست میگفت مثلاً: در بخش علوم اجتماعی مرحوم پوهاند داکتر جاوید و مرحوم پوهاند داکتر فاروق اعتمادی که هر دو از استادان محبوب و سابقه دار پوهنتون کابل بودند، هیچیکدام شان در طول دوره استادی خود هرگز به خود زحمت تحقیق یک کتاب علمی را در رشته تخصصی خود ندادند و بنابراین هردوی شان صاحب اثری مستقل چاپی نبودند، مگر دولت به آنها القاب علمی اکادمیسی داد تا از امتیازات مادی آن مستفید گردند. البته در بخش علوم طبیعی نیز میتوان چنین افرادی را سراغ داد.

در سیمینار های علمی که بمناسبت های مختلف در کابل تدویر می یافت ، استاد رشاد مانند کوهی از وقار و دانش در جایش قرار داشت و وقتی نوبت سخنرانی او میرسید تمام حضار سراپا به سخنان او گوش فرا میدادند تا از سخنرانی ایشان نکته های تازه و جدید بیاموزند. استاد رشاد در سخنرانیهای خود چنان با متانت و مسلط بر موضوع مورد بحث صحبت میفرمود که دیگر مجال سوال چه و چند برای هیچکسی باقی نمیگذاشت.

از لحاظ سیاسی استاد رشاد آدم دموکرات و آزاد اندیشی بود و از اولین اعضای روشنفکر نهضت «ویش زلمیان» بود. این نهضت سیاسی، در دوره دموکراسی شاه محمودخان و پس از نشر کتاب ویش زلمیان به همت والای مرحوم عبدالرؤف بینوا در ۱۳۲۶ شمسی رسماً شروع بفعالیت نمود و اعضای آن متشکل از افراد و عناصر تحول طلب اعم از روشنفکر، زمیندار و سرمایدار و تجار و از اقوام مختلف افغانستان بودند که جهت تنویر افکار جوانان، تعمیم علم و معارف در کشور، مبارزه با مفاسد اجتماعی و خرافات و فساد اداری، رشوه خواری ، اختلاس ، بیروکراسی، تامین عدالت ، و طرفداری از حقوق مظلومان، استقرار نظام مشروطه، تحکیم وحدت ملی ، باز شدن دروازه های مدارس و مکاتب بروی فرزندان کشور تلاش می ورزیدند. استاد رشاد انسان کم توقعی بود و غرورش را هرگز بخاطر چاپ کتابهایش با مراجعه به مقامات وزارت اطلاعات و فرهنگ ویا پوهنتون کابل ویا اکادمی علوم خورد نمیکرد. بیشتر کتابهایش را شاگردان و ارادتمندان استاد با خواهش و تمنا به چاپ رسانده اند. و به همین علت بیشترین آثار استاد رشاد بگونه قلمی و غیر چاپی برجای مانده است. استاد رشاد در ناحیه خیر خانه کابل در یک خانه محقرگی و غیر صحی زندگی میکرد که هر سال بیش از چهار ماه باریزش چکک برف و باران زندگی پرمراتی را بسر می آورد. تشویش بزرگ استاد رشاد تلف شدن کتابهایش از صدمه چکک بارانهای موسمی بود که جای مناسبی برای نگهداشت سالم

کتابخانه خود نداشت. جای آن بود که دولت از این سرمایه گرانبهای علمی به نحو شایسته تری نگهداری میکرد و شرایط بهتر کار و زندگی را برایش میسر میساخت تا با فراغت و امکانات بیشتری بکارهای پژوهشی خویش رسیدگی مینمود.

آثار و اعقاب استاد رشاد:

از جمله کتب چاپ شده استاد رشاد میتوان از اینها نام گرفت :

- ۱ - لودی پشتانه، در ۴۲۵ صفحه، چاپ ۱۳۳۶ ش،
 - ۲ - د امیر خسرو دهلوی شاعری، چاپ ۱۳۵۳ ش،
 - ۳ - د احمد شاه بابا ددیوان غورچان، چاپ ۱۳۵۹ ش ۴ - دابن سینا دمخارج الحروف پشتو ژباړه، چاپ ۱۳۵۹ ش،
 - ۵ - دقصه خوانی خونری پیشه، چاپ ۱۳۶۱ ش،
- د پتی خزانی فرهنگ،
- ۷ - در باره ظفرنامه اکبری و ناظم آن، فارسی، چاپ ۱۳۶۵ کابل،
 - ۸ - دشعرونو مجموعه،
 - ۹ - دحاجی جمعه بارکزی ددیوان سریزه او لغتنامه، ۱۳۶۱،
 - ۱۰ - د احمدشاه بابا دحو اشعارو د پشتو شرحی سریزه، ۱۳۵۶، و ده ها اثر دیگر
- کتابهای چاپ شده استاد رشاد طبعاً از خطر نابودی نجات یافته است اما کتب چاپ نشده استاد اگرگم و نابود گردد مایه اندوه فروان برای او و برای تمام دوستداران کتاب و فرهنگ افغانی است. از جمله کتاب های چاپ نشده استاد میتوان از آثار ذیل نام برد :

- ۱ - پشتانه شعرا په اردوکی، در این اثر ۳۸۳ شاعر پشتون که بزبان اردو شعر گفته اند معرفی شده است .
- ۲ - پشتانه شعرا په فارسی کی، در این اثر ۲۰۰ تن شاعر پشتون که به زبان فارسی شعر گفته اند، معرفی شده اند.
- ۳ - مستشرقین، در این اثر ۲۰۰ تن از مستشرقینی که در رابطه بزبان های پشتو و فارسی تحقیقات کرده اند معرفی شده.
- ۴ - ادبی قاموس، این اثر در ۶ جلد ترتیب یافته که مجموعاً در ۳۵۰۰ صفحه تحریر یافته است،
- ۵ - پشتانه مصنفین، این اثر در ۳ جلد ترتیب و نوشته شده که ۵۰۰ صفحه را در بر میگیرد. ۶ - جغرافیایی یاد داشتونه، این اثر در دو جلد تحریر یافته که مجموعاً ۷۵۰ صفحه می شود.
- ۷ - دکندهار تاریخی یاد داشتونه، در دو جلد،
- ۸ - داحمدشاهی عصر نومیالی در دو جلد،
- ۹ - پشتانه مشاهیر، در سه جلد،
- ۱۰ - نسبی شجری، در چهار جلد،
- ۱۱ - سل مِثله په اوه ژبو، در چهار جلد (بزبانهای پشتو، فارسی، انگلیسی، روسی، اردو، ترکی و عربی)،
- ۱۲ - دخوشحال فرهنگ، در هفت جلد
- ۱۳ - دفرهنگونو په باب، (شامل فرهنگ های فارسی، پشتو، عربی، ترکی، هندی) به ترتیب الفبا.
- ۱۴ - بدیع، در ۳۷۱ صفحه،
- ۱۵ - بیان، در ۳۷۰ صفحه،
- ۱۶ - قافیه، در ۳۰۰ صفحه،
- ۱۷ - عروض، دو جلد حاوی ۱۰۱۷ صفحه،
- ۱۸ - معانی، در ۳۸۳ صفح
- ۱۹ - نقد، در مورد ادبیات پشتو، فارسی و عربی در ۲۲۳ صفحه،

۲۰ - د زره وینی ، لاله ، رونی اوشکی (سه مجموعه شعر) و ده ها اثر دیگر که از حوصله این گفتار بیرون است ، علاقمندان آثار و اشعار استاد میتوانند به داکتر طارق پسر استاد یا به مقالات دیگری که مختص به آثار و احوال استاد نوشته شده اند رجوع کنند.

افزون براینها استاد رشاد درسالهای اخیر زندگی اش چند مجموعه شعری انتقادی انشاد کرده است که یکی بنام «ملحدشاهی» و دیگری « ملاحاهی» (یا تنظیم شاهی) و سومی «طالب شاهی» نام دارد و آخرین اثرش ، زیرعنوان «خشیمدلی امریکا» یا «دافغانستان غمیز» نامیده شده که در تمام این مجموعه های شعری، فجایع و ناروایی های رژیم های مختلف دوسه دهه اخیر به تصویر کشیده شده است.

و در 23 ماه ثور 1363 خورشیدی در روز خاک سپاری مرحوم حبیبی در هدیره خاندان سردار غلام فاروق عثمان مرحوم علامه رشاد دررثای آم دانشمندفقیه این ابیات را سرود:

ای زبده عزیزترین دودمان فضل وی نخبه ثمین ترین گوهران فضل
 ای کیمای دانش وای ریمیای فهم ای افتاب بینش و ای آسمان فضل
 ای کوه استقامت وای ذروه علو ای بحر بیکران وقوف و عمان فضل
 ای آن نسیم علم که از فیض صحبتت می یافت رنگ و بوی ادب گلستان فضل
 رفتی و شد خراب زرحل تو شهر علم برچید این زمانه بمرگت دکان فضل
 شدر بشد فضیلت و میهوت گشت عقل در کام عصر لالشد از غم زبان فضل
 پرسیدم از خردچو سن رحلتت بگفت آن "زاد" چون برفت بیامد "خران فضل"
 روز چهارشنبه و بیستم زیرج ثور آن تن بخاک شد که بحق بود روان فضل
 درداره علاج میسر نشد به وی و احسرتا بمرد "حبیبی" جهان فضل

(خران فضل، که ارزش ابجدی آن 1568 است ماده تاریخی میباشد. "زاد" که ارزش ابجدی آن 205 است بعمل تجزیه از آن نفی گردیده 1363 میماند که بحساب شمسی هجری سال وفات مرحوم حبیبی است.) (افغان شمله ، ص 151)

دو نمونه از اشعار دری و پشتو استاد رشاد

خطاب به افغان

جالوت لعین آمد و داود زمان رفت
 صدحیف که این آمد و صد وای که آن رفت
 افتاد به گرداب بیلا اشهب کشور
 از دست چنان شاهسواری که عنان رفت
 شمس میهن ما دستخوش آز یزیدان
 شعری به بهار آمد و شبلی به خزان رفت
 حجاج زحیرت به فغان خاست چو بشنید
 بیداد که برآل محمد زخسان رفت
 آغشته به خون دید زبس کساک بزرگان
 بهرام به رقص آمد و ناهید به فغان رفت
 آزادی کشور زسیله کاری «غادر»
 تیری شد و با قوت غولی زکمان رفت
 برگاه سلیمان بنشست از مدد روس
 دیوی به فسون آمد و خاتم زمین رفت
 نوری نتوان یافت ازین تیره روانان
 اهریمن شر آمد و خیر از سرمان رفت

دا هغه نه دی ؟

ای شاعرانو ! تاسی وایاست حماسی وچاته ؟
 د وران وطن دخپلواکی تودی نغمی وچاته ؟
 تاسی پوهیزی ، دا دستگاه د رادیو دچا ده ؟
 دا وسیله د خوار ملت د تیر ایستو دچا ده ؟
 دا هغه نه دی چی په پت بی دافغان لوبی کری ؟
 په استقلال بی د آزاد افغانستان لوبی کری ؟
 دا هغه نه دی چی جامونی هسکول د ملو
 دشپارسم جمهوریت د جوریدو په هلیو ؟
 چی دروازه بی د کریملین دعبادت کعبه ده
 چی بی په غاره دماسکو دغلامی رشته وه
 چی بی آمو د سرحدی لیکي په شان نه مانه
 د روس له یوغه بی آزاد افغانستان نه مانه ،
 دا هغه نه دی ،چی بی خرج کی استقلال د وطن
 په سرو لشکروبی پاماله کر اقبال د وطن ؟
 دملک سپوزمی بی د پردو په تندرو توره کرله
 د بخت کاسه بی دافغان اولس نسکوره کرله

محروم شد از فره دین کشور افغان
 بومی که چنین آمد و بازی که چنان رفت
 افسوس کز افزایش صفرای کم و نیزم
 شیرینی دین از دهن نسل جوان رفت
 گشته است درین خطه نگون پرچم اسلام
 و اویل که شرک آمد و ایمان زمین رفت
 گر زر و زمین رفت به انبوه نیرزد
 ننگ است اگر سنت تزویج زنان رفت
 افغان به مثل تیغ و پرندهش رگ
 دردا که پرنده از دم این تیغ بران رفت
 چون سرد شد اندر دل او جذبیه ایمان
 از بازوی مردانه اش آن توش و توان رفت
 تیغش بشکستند و شغایش بر بودند
 از پنجگانه این گرد به بازیچه سنان رفت
 غرق است به خواب خوش و مست از می غفلت
 کوید به گوشش که وطن از کف تان رفت
 گردید مسلط به وطن فرقه طاغوت
 ای حارس دین حیف که آن شوکت و شأن رفت
 خاک و وطن را بسپردند به کفار
 خاکم به دهن خیز که افغان ستان رفت !
 (۱۴ ثور ۱۳۵۷ ش ، خیرخانه مینه)

دا هغه نه دی چی بی قتل کره دوستان د مینی
 په زندانو کی بی وراسته کره مینان د مینی ؟
 دوی نه لوتلو د وطن دیر غلگرو په لاس
 دوی نه وژلو پر هرځای دسرو لشکرو په لاس
 دا هغه نه دی ، چی بی کرل آبادی بر بادی
 د روس لپاره ددی ملک شی و شادی بر بادی ؟
 دا هغه نه دی ، چی دی ملک تی بر بادی را ورلی
 پشو ته بی زموذ د مریتوب درنی بیری را ورلی
 غیرت دلته تخمونه دنفاق په خورو و کرل
 گلونی و کشله ، اغزی بی په پتو و کرل
 ای شاعرانو ! د دی دلی ناکردو ته ، خیر سی !
 د دی در وهلو ، وطنپالو و کردو ته خیر سی !
 گوری تیر نه باسی اولس د دی تگاتو په خوله
 د فریبکارو ، غولونکو ، مداریانو په خوله
 گوری ، احتیاط کوی په تاسی دا ملت غولوی
 نیرنگو په افسانو ولی نعمت غولوی
 وطن پلورونکو خرچه کری آزادی ده د ملک
 دغو نا سیالو سودا کری آزادی ده د ملک
 د پردی شمعی پتنگاتو ته نغمی مه وایاست
 د استقلال له وپاره دکی حماسی مه وایاست
 (۲۰ اسد ۱۳۶۹ برای مشاعره رادیونی ۲۷ اسد)

از استاد رشاد مرحوم، چهار پسر رسیده و تحصیل یافته بنامهای: خالد رشاد، طارق رشاد، شیرشاه رشاد و احمدشاه رشاد باقی مانده اند که همگی تحصیلات خود را تا سطح دکتری به پایه تکمیل رسانده اند. و یک دختر شان بنام مرغله نیز تا سطح دکتری تحصیل کرده است، حتی دختر بزرگتر استاد «کوکو خوری» که بنا بر شرایط نامساعد زمان از امکانات تحصیل رسمی برخوردار نشده اما بر اثر استعداد ذاتی و تلاش شخصی امروز یکی از شعرای موفق و حساس زبان پشتو است و اشعار وی در نشرات برون مرزی افغانستان گاه و بیگاه به نشر میرسد. دختر دیگر ایشان بنام نجیبه نیز که تحصیل سیستماتیک ندارد نیز یکی از شعرای نازک خیال زبان پشتو است. من کمتر خانواده ای را در افغانستان سراغ دارم که تمام فرزندان آن از عالی ترین سطح تحصیلات برخوردار باشند و در پهلوی تخصص تحصیلی و کاری خود، در ادبیات و سرودن شعر و نویسندگی و پژوهش های اجتماعی نیز بطور کامل وارد و دسترسی داشته باشند و این خانواده همانا خانواده فرهنگی استاد رشاد قندهاری است. داکتر خالد رشاد اساساً متخصص قلب در یکی از شفاخانه های جاپان است، اما شعر میسراید و از عهده نویسندگی نیز بخوبی بدر آمده میتواند. شیر شاه رشاد نه تنها انجنیر جیولوجی و معادن است بلکه در عین زمان در رشته حقوق و علوم سیاسی نیز تحصیل کرده و در کنفرانس های علمی سخنرانی های عالمانه میکند. طارق رشاد اساساً داکتر طب است، اما در سرودن شعر پشتو یکی از پیشگامان شعر جدید است و علاوه بر پژوهش های تاریخی و اجتماعی از پدرش پیروی میکند و من چشم امید دارم که جای پدر بزرگوار خود را او بدرستی پر کرده میتواند (دیده شود مقدمه او بر کتاب ویش زلمیان نوشته محمد علم بحرکی، و نیز دیده شود مقدمه او بر کتاب «دافغان شمله» یاد نامه علامه حبیبی چاپ هالند) احمدشاه رشاد که در کابل در رشته زبان و بعد در امریکا در رشته کامپیوتر تحصیل کرده، نه تنها در زبان پشتو شعر میگوید بلکه در زبان فارسی نیز طبع آزمایی میکند و به هردو زبان شعر نغز میگوید. بنده درگذشت این دانشمند سترگ افغان را یک ضایعه جبران ناپذیر علمی تلقی کرده، به همه فرهنگیان کشور، خانواده محترم استاد رشادو تمام دوستان و علاقمندان و شاگردان وی تسلیت عرض میکنم، روانش شاد و یادش همواره گرامی باد! ختم
 ۴ دسمبر ۲۰۰۴، شهر گوتنبرگ سوند